

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

فرستنده: حمید محوی

۱۰ جنوری ۲۰۱۵

مروری بر اعتراضات و تشکل‌های کارگران معدن "ویژه نامه معدن"

پیشگفتار فرستنده:

نکته بسیار شگفت انگیز و باورنکردنی در متن گزارش کانون مدافعان حقوق کارگران دیده می شود این است که از « سود آوری معدن برای صاحبان » یاد شده! به این معنا که گویی که از این پس (نمی دانیم از چه زمانی) معادن طبیعی ایران صاحبانی پیدا کرده است، یعنی به ملک خصوصی افراد تبدیل شده است. واقعاً جای شگفتی است که می بینیم جمهوری اسلامی ایران و دستگاه دین اسلام در ایران تا این اندازه به بازرایی سنت پیغمبر اسلام محمد (ص) که با راهزنی و مجاز دانستن تجاوز به ناموس ساکنان سرزمین های مفتوحه، فرمان خدا را حاکم و رایج می ساخت تحقق بخشیده است. خصوصی سازی منابع طبیعی ایران، یعنی منابعی که به شکل رایگان در دامن طبیعت و البته همیشه و در همه جا به شکل محدود موجود است را واقعاً به اجراء گذاشته و معادن طبیعی ایران به افراد خاصی و حتماً بر اساس خواست خدا بخشیده است و یا فروخته است و به هر صورت معامله کرده است. این گونه خرید و فروش ها که روی اموال عمومی مردم ایران و حتی می توانیم در برخی موارد و در برخی شرایط زمانی و نوعی ... بگوئیم که متعلق به جامعه بشری می باشد، هیچ نامی به جز دزدی در روز روشن ندارد.

این دزدی آشکار، راهزنی اسلامی، وقتی بیش از پیش آشکارتر و مصیبت بار تر می شود که می بینیم تقریباً در تمام موارد منابع طبیعی ایران به شکل خام در بازارهای جهانی به فروش می رسد و به عبارت دیگر در زمینه فرآوری و تولید محصول صنعتی تقریباً منفعل است و غالباً حتی برای استخراج محصولات خام از دستگاه های ساخت کشورهای دیگر استفاده می شود به عنوان مثال برای برش سنگ های گران بهای ساختمانی که به شکل توده های مکعب به ایتالیا فروخته می شود و آنها این تخته سنگهای مرمر و غیره را به شکل محصولات ساختمانی به عنوان ساخت ایتالیا به فروش می رسانند. مهمترین محصول طبیعی در ایران یعنی نفت، یعنی انرژی و یعنی در شرایط جهان صنعت یعنی کار و تولید... و غالباً همین ماده خام طبیعی وقتی در اشکال محصولات صنعتی به ایران بازمی گردد البته به بهای چند برابر قیمت ماده خام اولیه به فروش می رسد و نباید فراموش کنیم که چنین رابطه ای برای جامعه ایران همیشه مخرب بوده و نه تنها موجب بیکاری بلکه موجب محکوم ساختن نیروی کار به حد نازل بوده است.

البته در اینجا برای من ناممکن است که گزارشی از بازگشت پول حاصل از فروش این منابع به ایران بگویم. البته یک رقم آن ۱۵۰ میلیارد (شاید هم بیشتر) از درآمد نفتی ایران است که به اصطلاح در توقیف بین المللی (ایالات متحده) به

سر می برد. بی گمان انباشت چنین پولی بی آن که دستگاه دین اسلام در ایران در تبنانی با آن نبوده باشد، قابل تصور نیست و گویا که قشر یا طبقه خاصی در ایران به خواست خدا از همین وضعیت تحریم منبع درآمد خوبی پیدا کرده اند و بی آن که بدان اعتراف کنند خواهان تداوم تحریم هستند: خدا روزی رسان است و ما نیز که چیز دیگری می گوئیم حتماً باید شیطان پرست باشیم (۴). البته نباید روی سرنوشت پول تکیه و پافشاری کنیم، مسأله اصلی برای ما تسلط بر طبیعت است، یعنی تسلط بر ماده خام طبیعی از طریق شناخت علمی و کار و ایجاد زیربناهای تولیدی و خارج ساختن آن از مالکیت خصوصی (و تعطیل کردن «خواست خدا») برای پاسخگویی به نیازهای انسانی (روشن است که برای پاسخگویی به سودآوری برای مالک و سرمایه دار نیست، چرا که از دیدگاه ما و از دیدگاه عقلی چنین هدفی برای بهره برداری... یک انحراف بنیادی می باشد که باید از آن اجتناب کرد). کلاه برداری از این بیشتر وجود ندارد یک نفر یا یک جریانی راه بیفتند و مدعی شوند که از خواست خدا مطلع هستند و سود و نان کره دار را خدا داده است. هالوتر از آنهایی که چنین دعاوی شگفت انگیزی را باور می کنند مادر دهر نژائیده است: «هنر نزد ایرانیان است و بس».

پس، دستگاه دین اسلام و بورژوازی کمپرادور و سرانجام نظام سرمایه داری باید بدانند که ملت ایران هوشمند و هوشیار هستند و تصاحب اموال عمومی را یک بی شرمی تمام عیار می دانند.

حمید محوی/پاریس

حبس کردن خود در تونل معدن، راهی برای نشان دادن اعتراض

پس از خودزنی یکی از کارگران معدن طلای آقره، این بار صد نفر از کارگران معدن سنگرود به طور گروهی دست به تحصن در تونلی زدند که به دلیل وجود گاز احتمال انفجار آن بالاست. شاید این حرکت را بتوان نمادی از اقدام به خودکشی دسته جمعی دانست. انحلال معدن، حل نشدن مشکل بیمه بیکاری و بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور عدم دریافت حقوق به مدت ۸ ماه و... سبب شد که کارگران معدن زغال سنگ سنگرود (البرز غربی) این بار برای تحصن یکی از تونل های معدن را انتخاب کنند.

کارگران خسته از این همه بی توجهی می گویند به دلیل عملی نشدن وعده های داده شده، می خواهند خود را در معدن حبس کنند.

این کارگران که سالها کار سخت در معدن را تحمل کرده اند، اکنون به دلیل فاصله ای که در سالهای گذشته در کار معدن افتاد و کارگران معدن سنگرود بدون تحت پوشش قرار گرفتن بیمه بیکاری، بیکار شدند، حتا نمی تواند بازنشسته شود.

هر چند این اعتراض با مداخله ی مأموران انتظامی به طور موقت خاتمه یافت اما مسأله اصلی کارگران که تأمین هزینه های زندگی شان است بدون پاسخ هم چنان باقی است. سود آوری معدن برای صاحبان آن؟! تنها دلیل تعطیلی یا آغاز به کار یک معدن یا واحد تولیدی است. این که چه بر سر کارگران می آید نه برای صاحبان معادن مهم است و نه مسؤولان؟! تنها پیگیری و اقدامات دسته جمعی و متشکل کارگران می تواند به آنان کمک کند که به خواسته هایشان دست یابند.

مروری بر اعتراضات و تشکل های کارگران معدن

"ویژه نامه معدن"

کانون مدافعان حقوق کارگر - از سال ۱۳۰۰ به بعد در دو دوره زمانی، فعالیت های کارگری گسترش بی سابقه ای یافت. دوره اول سال های دهه ۲۰ تا سال ۳۲ و دیگری ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰. در این دو دوره تشکل های بسیاری شکل گرفتند و

اعتصابات گسترده کارگری در بخش‌های مختلف رخ می‌داد. اعتراضات قبل از بهمن ۵۷ در سرنگونی حکومت شاهنشاهی تأثیر بسیاری داشت. میزان گزارش‌ها و اخباری که از این اعتراضات کارگری و تشکل‌های آنها در مطبوعات منتشر شده به دلیل آزادی‌های نسبی مطبوعات نیز بی‌سابقه بود.

هر دو دوره، پس از سرکوب شدید، دستگیری، زندان، اعدام فعالان کارگری این اعتراضات افت شدیدی کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد [اسد] موجی از دستگیری‌ها و زندان و تبعید به راه افتاد و در دهه شصت به گفته‌ای فقط بیش از ۵۰۰ کارگر فعال اعدام شدند.

اما جنبش کارگری و کارگران مبارز و آگاه به جان آمده از استعمار و ستم، سر سکون و توقف نمی‌توانند داشته باشند. حرص و طمع سرمایه‌داری، آن چنان است که به هر ترتیب که شده می‌خواهد سودش را از قبل استعمار شدید کارگران تأمین کند و کارگران نیز از این همه ستم و استعمار به جان آمده و بار دیگر پس از مدتی کوتاه حرکات اعتراضی کارگران از سر گرفته می‌شود. از جمله می‌توان به اعتراضاتی که در فاصله زمانی ۳۲ تا ۵۷ رخ داد، اشاره کرد که گاهی بسیار هم گسترده نیز بوده‌اند، مانند: اعتصابات نفت در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۳۴، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسی در فروردین [حمل] ۱۳۳۷ و ۴۳، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کورمپز خانه‌های تهران در خرداد [جوزا] ۱۳۳۸ و ۴۱، اعتصابات کارگران نساجی در همان سال، اعتصابات نفت و صنایع نساجی و نانوايي‌ها در سال ۱۳۴۰، تظاهرات ۳ هزار کارگر بیکار در بندر ماه شهر، و همین‌طور اعتصابات کارگری سال‌های ۵۶ و ۵۷ و اعتراضاتی که در دهه هفتاد و بعد از آن مرتباً رخ داده است.

در این میان اعتصاب کارگران معدن کمتر در مطبوعات منعکس شده است. از تشکل‌های کارگران معدن در این سال‌ها نیز خبر چندانی نیست. از جمله اعتصابات معدنی که به آن اشاره شده دو اعتصابی است که یکی در سال ۱۳۴۴ و دیگری در معدن ذغال سنگ در سال ۱۳۵۵ رخ داده که اطلاعات بیشتری از این دو اعتصاب پیدا نکرده‌ایم. شاید بتوان از میزان کم خبرهای منتشره نتیجه گرفت که حرکت‌های جمعی و تشکل‌های کارگری در معدن ایران به ندرت به چشم می‌خورد و سابقه مبارزاتی این کارگران کم است؟! و هر جا که خبری منتشر شده، حتماً سندیکا یا تشکلی در میان این کارگران شکل گرفته بوده است. زیرا اولین اقدامات یک تشکل کارگری طبیعتاً اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت کار و زندگی کارگران است.

علت این امر را می‌توان به این شکل تبیین کرد: اکثر معدن در مناطق دورافتاده قرار دارند که امکان برقراری ارتباط با سایر محیط‌های کارگری را دشوار می‌کند، بافت روستایی کارگران معدن که اکثراً جوان هستند و همین‌طور شرایط بسیار دشوار کار، سبب شده که آگاهی‌های طبقاتی این کارگران کمتر از سایر اقشار کارگران مانند کارگران نفت و ریسندگی و... باشد. سختی کار در معدن و بیماری‌های ناشی از آن امکان تداوم و استمرار کار را برای کارگران کم می‌کند. عدم انتقال تجربیات اعتراضی کارگران و تشکل‌های آنان نیز عامل دیگری است برای این که رشد این آگاهی‌های طبقاتی سرعت کافی نداشته باشد.

در زیر مروری کوتاه خواهیم داشت به برخی از این اعتراضات، دلایل آن و تشکل‌های کارگری که در معدن تشکیل شده است.

در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد در پی ایجاد راه آهن سراسری تهران شمال، رگه‌های زغال سنگ در منطقه زیراب کشف شد. به دنبال آن معدن زیراب در سال ۱۳۱۲ با ۱۲۰۰ کارگر تأسیس شد. در گزارشی که در سال ۱۳۲۴ در روزنامه‌های آن زمان منتشر شده این‌گونه آمده است:

"... و مدت ۴ ماه است که به کارگران زیراب یک شاهی نپرداخته‌اند. آیا کارگران باید از گرسنگی بمیرند. کارگران این معدن با عائله خود ۴۰۰۰ نفراند. اتحادیه کنسرو، نساجی، گونی‌بافی، شالی‌کوبی و راه آهن اطلاعیه‌ای مشترک برای

همدردی و کمک به این کارگران صادر کردند و تهدید کردند در صورتی که تا ۲۹ آبان [عقرب] ۲۴ حقوق آنان پرداخت نشود، دست به اقدامات جدی خواهند زد. همین طور اطلاعیه‌ای از کمیته محلی و شورای محلی اتحادیه کارگران شیرگاه و کمیته محلی ساری نیز در این رابطه صادر شد. با ادامه وضع اسفناک کارگران معدن در روز ۲۷ خرداد [جوزا] کمیته محلی و شورای شهر تصمیم گرفتند در صورتی که به تقاضاهای آنان ترتیب اثر نشود از حمل ذغال جلوگیری کنند. خواسته های کارگران عبارت بود از:

پرداخت حقوق معوقه، تهیه حمام برای کارگران، ارسال دارو برای جلوگیری از مالاریا، تأسیس کلاس اکابر، تعمیر و تهیه ساختمان برای سکناى کارگران، جلوگیری از اجحاف و تعدی پیشه‌وران معدن.

این اطلاعیه به امضای شورای متحده و اتحادیه های کارگران و زحمتکشان معادن زیر آب است. (۱)
این از اولین خبرهائی است که در مورد اعتراضات کارگری و تشکل های کارگران معدن می‌توان در مطبوعات یافت. پس از چند سال، در سال ۳۲، در پی کشته شدن کارگران معدن گاجره، اعتراضاتی در این رابطه صورت گرفت. در مراسم دفن کارگران کشته شده، کارگران معدن زیراب نیز شرکت کرده و با آنان همدردی نموده‌اند. این دو معدن از جمله معادنی بودند که سندیکای کارگران در آنها شکل گرفته بود. هر چند خبرهای بیشتری از این سندیکا و اعتراضات کارگری آنان در دست نیست. اما انتشار همین چند خبر هم نشان از تشکل‌هائی می‌دهد که در مورد مسایل کارگران معدن اطلاع رسانی می‌کرده است.

پس از حادثه معدن گاجره، برادر یکی از کارگران مقتول در سخنانی چنین گفته بود: "برادر من تازه ۱۸ سالش شده بود. گفته بود من کارگر تونلی نیستم. مرا آنجا نفرستید. اما او را به زور فرستادند و کشته شد. خب چه کسی به این قتل عمد، به این خون ناحق ریخته شده می‌رسد. فردا ممکن است این بلا سر شما هم بیاید. اینها با خون شما سرمایه‌دار می‌شوند ولی شما در این وضع هستید به خانواده آن‌ها که سه سال پیش کشته شدند چه کسی رسیدگی کرد؟ همه شما مرا می‌شناسید. کارگر همین جا بودم، سل گرفتم. دو سال در شاه آباد خوابیدم. دیناری به من کمک نکردند. نباید شما با چند ریال پول و اضافه گول بخورید. تنها راهی که برای شماست اتحاد و تقویت سندیکای خودتان است."

ظاهراً سندیکای معدن گاجره که عمر آن دو سال بوده است در زمینه‌هائی توانسته بود فشارهائی به کارفرما آورده تا مثلاً کارگران منتظر خدمت را سرکار برگردانده یا کار سبک‌تری به کارگران بیمار بدهند:

"باقر علیمرادی ۴ سال است کار می‌کند و روزی ۳۰ ریال می‌گیرد. در سال ۱۳۲۹ در همین گاجره زیر سنگ‌ها ماند و کتف و پایش شکست، ۵ ماه در بیمارستان بانک صنعتی خوابید. پزشکان تأیید کردند که او نباید دیگر در تونل کار کند و کار سبک برایش ضروری ندارد. اما پس از دو سال کار مجدداً در آخر ماه سال گذشته رئیس معدن تحمیل کرد که باید باز هم در تونل کار کند. حتا حاضر شدند او را منتظر خدمت کنند. ۴ ماه به همین دلیل سرگردان بود و عاقبت با زور کارگران و سندیکای کارگری دوباره مجبور شدند به او کار سبک بدهند."

در انتهای گزارش کارگران اعتراضی در معدن گاجره خواسته‌های خود را به این ترتیب بیان کرده‌اند:

مکانیزه کردن معدن و دادن وسایل فنی کامل، تأمین زندگی بازماندگان کارگرانی که جان خود را از دست داده‌اند، رسیدگی کامل به علت این حوادث و مجازت شدید مسببین امر، پذیرش نماینده کارگران از طرف اداره کار، شناختن سندیکای کارگران که دو سال است تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، بهبود وضع بیمه و تأمین بهداشتی فراهم ساختن زندگی برای خانواده کارگرانی که چندی قبل فوت کرده‌اند، ساخت خانه‌های دولتی جهت مسکن کارگران، دادن اضافه دستمزد واقعی که با میزان کار بستگی داشته باشد. (۲)

در گزارشی که دانشجویان پیشگام کرج از معدن سنگرود لوشان در سال ۵۸ تهیه کرده بودند به اعتصاب سال ۱۳۵۲ و مهر ۵۷ کارگران این معدن اشاره شده است. دو اعتصابی که اولی با شکست و دومی با پیروزی کارگران خاتمه

یافته است. اولین اعتصاب کارگران این معدن در اواخر سال ۵۲ رخ داد. علت اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز را به این کارگران نمی‌پرداختند. روز اول اعتصاب، کارگران با مهندسین و مدیرعامل زد و خورد کردند به دنبال آن ۵۰ سرباز و دو افسر برای سرکوب کارگران به معدن فرستاده شد. این اعتصاب دو روز به طول انجامید و با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دو نفر از فعالان و قول رسیدگی به خواست های اعتصاب پایان یافت.

در مهر [میزان] ۵۷ بار دیگر این کارگران اعتصاب کردند. کارگران خواستار اخراج ۸ نفر از مهندسین و رسیدگی به خواست‌های صنفی خود بودند. اعتصاب ۲۱ روز به طول انجامید و سرانجام کارگران توانستند به خواسته‌های خود برسند. شرایط و جو حاکم در مهر سال ۵۷ در پیروزی این اعتصاب نقش مهمی داشت. در مورد تشکیل سندیکای کارگران در این معدن در ادامه گزارش چنین آمده است:

"در اعتراضات سیاسی سال ۵۷ کارگران معدن به دلیل دور افتاده بودن محل کارشان، در متن حوادث نبودند... و به این دلیل آگاهی‌های سیاسی کارگران بالا نبود... پس از انقلاب اداره معدن سنگرود به دست کمیته‌ها افتاد... در هفته‌های اول پس از انقلاب، کارگران به طور پراکنده شورای کارگری را مطرح کردند. اما ایجاد شورا زمینه مناسبی پیدا نکرد و به دنبال آن تشکیل سندیکا در دستور کار قرار گرفت. کمیته برای ایجاد تفرقه میان کارگران با زدن برچسب‌های به کارگران آگاه سعی کرد که عموم کارگران را از آنها دور نگه دارد. اما کارگران بر خواست خود مبنی بر تشکیل

سندیکا مصر بودند. به دنبال آن کمیته پیشنهاد کرد که انتخابات سندیکا باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد... اساسنامه‌ای از وزارت کار گرفته شد که همان اساسنامه رستاخیزی بود... در تاریخ یکشنبه ۱۴ اردیبهشت [ثور] ۵۸ مجمع عمومی کارگران در مسجد معدن تشکیل می‌شود. انتخابات کاملاً قلابی بود به طوری که کارگران به این مسأله اعتراض کردند و خواستار باطل کردن انتخابات شدند. کمیته این درخواست را رد کرد. در پایان اکثر کارگران به عنوان اعتراض محل را ترک کردند. به این ترتیب سندیکائی فرمایشی به وجود آمد که هیچ یک از خواست‌های کارگران را نتوانست به نتیجه برساند. (۳)

همانند سایر کارگران، اعتراضات کارگران معدن به

شکل‌های مختلف انجام می‌شود. از ابتدائی‌ترین شیوه که نامه‌نگاری به مسؤولان و اطلاع رسانی است، شروع می‌شود تا اعتصاب و تجمع در محل معدن یا مقابل نهادهای دولتی مانند فرمانداری و... گرفته تا بستن جاده و تحصن در خیابان و مقابل مجلس و...

از نمونه‌های نامه‌نگاری کارگران می‌توان به نامه کارگران اخراجی معدن طلای آقدره تکاب اشاره کرد. در بخشی از این رنجامه کارگران چنین نوشته‌اند:

"آیا مسؤولین می‌دانند زمین چرکین است یعنی چه؟ تخریب رگه‌های معدنی، نابودی اکوسیستم طبیعت، برداشت غیر اصولی و بی‌رویه از نواحی پر عیار معدن طلا یعنی چه؟ یعنی این که تولید و سود بیست سال را در هفت سال خلاصه کردن با همان استثمار نیروی کار ارزان منطقه. شب فرا می‌رسد خبری از شام نیست آیا چون زبان ما

یک نمونه از نتیجه اتحاد کارگران

معدن شمشک

۴ ماه بود که به کارگران معدن شمشک

حقوق نمی‌پرداختند روز ۲۶

اردیبهشت [ثور] کارگران قطعنامه‌ای

صادر کردند تا حقوقشان را نپردازند

اعتصاب خواهند کرد و کارفرما حقوق

آنان را پرداخت کرد. کارگران معدن

تصمیم دارند سندیکای خودشان را

تشکیل دهند.

نوید آزادی ۸ خرداد [جوزا] ۳۲

کارگران بسته است و فریادمان به جایی نمی رسد باید آنها را فراموش کرد یا روی شمش‌های طلایش نوشته رسیدگی به وضعیت ما کارگران ممنوع!"

و در ادامه با اشاره به این که این کارخانه بعد از ۸ سال تولید بی‌وقفه روزانه تا سقف ۴۰ کیلوگرم طلای ۲۴ عیار و مقادیر قابل توجهی جیوه تا سقف ۳۰۰ کیلوگرم و سایر فلزات با ارزش به ناگاه ۲۰۰ نفر از پرسنل خود را اخراج کرده ... و سپس در مورد آلودگی‌های زیست محیطی و اتلاف احشام و دام‌های منطقه تخریب طبیعت، آلودگی و از بین رفتن کامل آب شرب روستای شیرمرد، مرگ و نابودی تدریجی باغات سیب روستاهای مجاور اشاره کرده‌اند و نامه خود را با این عبارت به پایان برده‌اند:

"زندگی را به بیداری بگذرانیم که سال‌ها به اجبار خواهیم خفت" (۴)

تجمع‌های اعتراضی از دیگر شیوه‌هایی است که کارگران به جان آمده معدن استفاده می‌کنند. این تجمع‌ها در محل‌های کار، مقابل نهادهای دولتی مسئول، وزارت کار، مجلس و... برگزار می‌شود. تجمعاتی که در دو سال گذشته خبرهای آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شده است. از جمله می‌توان به تجمع کارگران معدن سنگرود اشاره کرد که بارها این اقدام را انجام داده‌اند: ۷ مهر [میزان] ۹۲ کارگران زغال‌سنگ سنگرود در تهران دومین تجمع خود را برگزار کردند. خواست ۲۸۰ کارگر معترض علاوه بر توقف انحلال معدن، خواستار پرداخت منظم دستمزد و حقوق سه ماهه تیر، مرداد و شهریور [سرطان، اسد و سنبله] سال جاری هستند این اعتراض در پی بارها اعتراض در محل کار و نهادهای دولتی در منطقه و بی‌نتیجه بودن آن صورت گرفته است.

اعتراضات کارگری در معادن دلایل متفاوتی دارد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش و تعویق دستمزدها: اعتراض کارگران زغال سنگ معدن‌جو در زرنند کرمان، کارگران بافق، طلای اقدرد و...

کاهش مزایا، خدمات بیمه درمانی: کارگران معدن زغال سنگ طبس در ۲۸ اردیبهشت [ثور] سال پیش دست به اعتصاب گسترده و فراگیر زدند. این اعتصاب و تجمع یک روزه که در مقابل مجتمع اداری شرکت زغال سنگ پروده طبس در داخل شهر و همچنین همزمان در سایت معدن یک و معدن مرکزی و کارخانه زغال‌شویی آن شرکت انجام شد که سرانجام با دخالت مأمورین نیروی انتظامی و مسوولین فرمانداری طبس و حراست شرکت موقتاً به پایان رسید.

شیوه اجرای تعدیل نیرو و اخراج: کارگران شرکت زغال سنگ معدن جو (زرنند کرمان) به دلیل اعتراض به شیوه اجرای تعدیل نیرو اعتراض کرده‌اند. این شرکت به دلیل آنچه «عدم گردش مالی ناشی از بی‌پولی شرکت‌های معدنی» عنوان شده، از ابتدای سال جاری تا آبان ماه [عقرب] حدود ۳۰ نفر از کارگران را پس از خاتمه قرارداد اخراج کرده است. (۵)

تأمین امنیت شغلی و عدم اخراج، تأمین زیرساخت‌ها در منطقه شامل جاده و گاز و بهره‌برداری از معدن بر مبنای پروانه تعریف شده، از دیگر مطالبات کارگران معدن است. (۶)

خصوصی‌سازی: عدم واگذاری به بخش خصوصی از خواسته‌هایی است که در سال‌های اخیر به خواسته‌های کارگران افزوده شده است. "نماینده کارگران معدن زغال‌سنگ البرز در این مورد گفته است که کارگران معدن زغال سنگ طرزه در شهرستان شاهرود مخالف خصوصی‌سازی این واحد معدنی و واگذاری آن به شرکت ذوب آهن اصفهان هستند افزود: از مسوولان کشوری و استانی می‌خواهیم مانع خصوصی‌سازی این معدن و فروش ۴۲ هکتار از املاک آن در مرکز شهر شاهرود به شهرداری شوند. (۷)

اعتراض کارگران بافق نیز به خصوصی‌سازی‌ها یکی از طولانی‌ترین اعتصابات سال‌های اخیر را به دنبال داشت. اعتراضات اخیر کارگران بافق و سایر معادن علیه خصوصی‌سازی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی کارگران معدن به حدی بالا رفته است که خواسته‌های این کارگران از خواسته‌های صنفی در حد افزایش دستمزد و حقوق معوقه فراتر رفته و نوک حمله آن خصوصی‌سازی است که شاید بتوان آن را نماد سرمایه‌داری متأخر دانست. اعتصابی که بیش از ۵۰ روز به طول انجامید و ۵۰۰۰ کارگر و خانواده‌هایشان در آن شرکت کردند و با موفقیت کارگران خاتمه یافت.

نحوه برخورد با اعتراضات کارگران معادن

بسیار اتفاق افتاده که نمایندگان کارگران و یا کارگران فعال پس از اعتراضات اخراج یا مجبور به استعفاء و ترک کار شده و یا توسط نیروی انتظامی به دلایل مختلف بازداشت شده‌اند. در این گونه موقعیت‌ها اولین اقدامی که کارگران معترض و اعتصابی انجام می‌دهند اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت آنان است. در گام بعدی خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگر زندانی و یا بازگشت به کار کارگران اخراجی می‌شوند و این خواسته در صدر خواسته‌های کارگران اعتصابی قرار می‌گیرد. معمولاً در این گونه موارد خانواده‌های کارگران نیز درگیر اعتصاب می‌شوند. کارگران معدن بافق به اعتصاب ۵۰ روزه خود ادامه داده تا ۹ کارگر زندانی آزاد شدند.

۸۰۰ کارگر معدن چادرملو که در استخدام شرکت پیمانکاری آسفالت توس هستند از ششم آذرماه [قوس] سال جاری به نحوه محاسبه حق بیمه خود و نیز اخراج پیش از اتمام قرارداد آقای بهرام حسینی‌نژاد به صورت محدود دست به اقدامات اعتراضی صنفی زده بودند. ۲۸ کارگر این معدن با شکایت کارفرما به اتهام اخلاف در نظم عمومی بازداشت شدند و در پی ادامه اعتراضات و احتمال گسترش آن کارگران زندانی آزاد شده و برای پیگیری این پرونده وکیل حقوقی اختیار کرده‌اند. (۸)

نماینده کارگران چشمه پودنه از سوی کارفرما تحت فشار قرار گرفته به حدی که مجبور به ترک کار شده است. ترک کار اجباری این فعال کارگری پس از آن صورت گرفت که این فعال کارگری در رابطه با حادثه‌ای که در روز یکم اسفند ماه منجر به کشته شدن سه نفر از کارگران این معدن به نام‌های محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی شد، از به روز نبودن استانداردهای ایمنی در این معدن خبر داده بود. این کارگر معدن چشمه پودنه با داشتن همسر و سه فرزند، بیکار و فاقد هرگونه منبع درآمد و یا پوشش بیمه ای است. (۹) خبری از نتیجه این پیگیری‌ها در رسانه‌ها منتشر نشده است.

در همه گزارشاتی که از اعتراضات کارگری در معدن وجود دارد نقش نیروهای پولیس در سرکوب کارگران برجسته است. حتا وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، کار نیروی انتظامی و پولیس کمک رسانی نیست، بلکه پیشگیری و احیاناً مقابله با اعتراضاتی است که کارفرمایان حدس می‌زنند ممکن است بعد از این رویدادهای دردناک رخ دهد. در سال ۱۳۳۲ نمایندگان سندیکای کارگران گاجره چنین می‌گویند:

" بعد از ۲۴ ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحضاتی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم. (۱۰)

در یکی از آخرین این اعتراضات، کارگران اخراجی معدن طلای زره شوران تکاب روز دوشنبه ۱۸ فروردین [حمل] ۹۳ در اعتراض به تصمیم کارفرما برای اخراج کارگران، راه اصلی این معدن را مسدود کردند. معترضان خواستار بازگشت به کار بودند. مأموران نیروی انتظامی به تحصن کارگران معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم

قرار دادند. اما هنگامی که کارگران به طور دسته جمعی دست به اقدام می‌زنند، حتی از نیروی انتظامی هم کاری ساخته نخواهد بود و همراهی و همگامی و پیگیری آنان، نیروهای انتظامی را مجبور می‌کند محل را ترک کنند. در اعتراض به بازداشت کارگران معدن بافق، و دست از کار کشیدن کارگران مأموران یگان ویژه در این معدن مستقر شدند. خروج این مأموران نیز به خواسته‌های کارگران اضافه شد و یگان ویژه روز ۳۰ مرداد [اسد] از معدن خارج شد... تمام این موارد نشان می‌دهد هر جا که کارگران با هم متحد شده و نمایندگان واقعی‌شان را انتخاب کرده‌اند حتماً به بخشی از خواسته‌های خود رسیده‌اند. زیرا انتخاب نمایندگان واقعی دارای دو خاصیت است. یکی آن که نمایندگان واقعی حاضر به سازش و تسلیم به کارفرما نیستند. دوم آن که کارگران با حمایت از نمایندگان خودشان، اتحاد و همبستگی خود را بیشتر نشان می‌دهند. در نتیجه در اکثر قریب به اتفاق این موارد کارگران به پیروزی‌های درخشانی دست یافته‌اند.

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق

یکی از آخرین اعتراضات کارگران معدن در ایران در معدن سرب و روی کوشک رخ داده است. معدن کوشک بافق یک معدن با مالکیت خصوصی است که توسط شرکت معدن بافق (سهامی عام) اداره می‌شود و با بیش از ۳۵۰ کارگر در در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بافق واقع شده است. بیش از ۲۶۰ نفر از کارگران معدن کوشک بافق شامل کارخانه و کارگران عمق زمین و معدن روباز از ۱۵ آذر [قوس] ۹۳ دست از کار کشیدند. این کارگران نزدیک به ۹۰ روز است که حقوق و مزایا طلبگارانند. این اعتصاب بعد از ۵ روز با قول رسیدگی به مطالبات کارگران موقتاً خاتمه یافت.

کارگران معدن کوشک بافق در پنجمین روز اعتصابشان در نامه‌هایی به وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواهان رسیدگی سریع به مطالباتشان شدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: کارگران خواسته‌های قانونی زیر را از کارفرما (شرکت معدن بافق سهامی عام) دارند که متأسفانه در طی سالیان مدید مورد توجه قرار نگرفته است: پرداخت به موقع حقوق و مزایای ماهانه که هم اکنون نیز به تعویق افتاده است، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رسیدگی کافی به سلامت کارگران و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت‌های غیرنقدی و پاداش‌ها و انجام امور ورزشی و مراسم‌های معمول، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، پرداخت هزینه‌های معمول رفت و آمد به معدن، امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقد، مناسب‌سازی اجرای شیفت‌های کاری برای واحدهای کوچک و رعایت تعطیلات رسمی و مذهبی، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و...

این کارگران از امنیت شغلی برخوردار نیستند و بیشتر کارگران این معدن قراردادی هستند و طرح طبقه بندی مشاغل در معدن اجراء نشده است. قراردادی بودن کارگران سبب شده که کارفرما از اجرای تعهدات و مسؤلیت‌های خود در قبال کارگران شانه خالی کند. کارگران این معدن در معرض انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی با سرب هستند و آزمایش تست سرب خون که باید سالانه انجام شود، چند سالی است که اجراء نمی‌شود. کارگران معدن کوشک بافق که از کیفیت تجهیزات ایمنی معدن ناراضی‌اند.

لازم به ذکر است که در سال گذشته دو کارگر این معدن کشته شده‌اند و دیه این کارگران هنوز به خانواده‌هایشان پرداخت نشده است. رسیدگی به وضع خانواده‌های این کارگران نیز یکی دیگر از خواسته‌های این کارگران است. این کارگران با امضای طوماری برای پیگیری مطالبات صنفی‌شان، از طریق یک وکیل دادگستری نیز اقدام کرده‌اند.

۱- صفاء، شماره‌های ۲۵، ۵۲، ۵۶ سال ۲۴-۱۳۲۵ ه.ش . در معدن زیراب کارگران چگونه زندگی می‌کنند / ۲- روزنامه سرود فردا خرداد [جوزا] ۱۳۳۲ / ۳- کتاب دوشنبه شماره ۳۰ و ۳۱

۴- رنجامه کارگران اخراجی بزرگترین کارخانه طلای کشور، تکاب افشار - اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۰
۵- (ششم آبان ماه [عقرب] ۹۳ / ایلنا)

<http://www.dw.de/>-۶

۷- خبرگزاری ایلنا . ۶مهر [میزان] ۹۳ - [_ttp://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=208815](http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=208815)

۸- ۱۳۹۳/۰۶/۱۷ : دبیر انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو آزاد شد ایرنا

۹-، (ایلنا، ۱۳۹۳/۰۳/۱۷) ۱۰- روزنامه سرود فردا خرداد [جوزا] ۱۳۳۲

منبع:

<http://www.kanoonm.com/1627#more-1627>